

الگوی طراحی شهری بیشاپور

علیرضا شاه محمدپور سلمانی*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۳/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۴/۲۱

چکیده

پس از فروپاشی حکومت پارتیان به دست اردشیر بابکان، در اوایل قرن سوم میلادی، قدرتی جدید به نام سلسله ساسانی روی کار آمد. تعدد آثار تاریخی به جای مانده از این دوره تاریخی به نسبت دوره پارتی، نشان می‌دهد که میزان فعالیت‌های عمرانی، مانند ایجاد شهرها، قلعه‌ها، پل‌ها و سدها، رشد قابل توجهی داشته است. بنیان تعدادی از شهرهای تاریخی ایران به دو پادشاه نخستین سلسله ساسانیان، اردشیر و شاپور، منسوب است. بیشتر این شهرها روی نواری ساخته شده‌اند که بین خلیج فارس و حاشیه جنوبی و جنوب غربی رشته کوه‌های زاگرس کشیده شده است. این نوار تنگه هرمز را به بین‌النهرین و سپس تیسفون متصل می‌کرده است. شهر بیشاپور در نقطه‌ای از این حوزه که رشته کوه‌های زاگرس کمترین فاصله تا آب‌های خلیج فارس را دارند، به دستور شاپور ساخته شده است. پرسشی که در این مقاله به آن خواهیم پرداخت، چگونگی انتخاب هندسه شهری بیشاپور توسط طراحان ساسانی است. این مطالعه براساس تحقیقات میدانی در کنار مطالعات کتابخانه‌ای، شامل مطالعه تطبیقی با شهرهای هم‌دوره آن شکل گرفته است. تحول سیاست‌های حکومتی و فرهنگی از دوره پارتی تا دوره ساسانی، شامل تمایل به تمرکز سیاسی در تغییر الگوی ساخت شهرها قابل ارزیابی است. شهر گور و بیشاپور، شاخصه‌های نقطه عطف طراحی شهرهای جدید با دیدگاه بنیانگذاران ساسانی بودند. شهر گور نمادی از طراحی شهر برای دستیابی به قدرت و بیشاپور نمادی از مرحله استقرار و ثبات را با دیدگاه‌های مشترک به نمایش می‌گذارد. یکی از روش‌های مطالعه این شهرها، بررسی و تحلیل هندسه کلی آن‌هاست. در این مرحله، نحوه تعامل طراحی با طبیعت اطراف، از اهمیت کلیدی برخوردار است. بیشاپور نمادی از استفاده مفید از عوارض طبیعی در کنار هندسه منظم است. استفاده از محورهای عمود برهم از اصول طراحی شهر بیشاپور است. یکی دیگر از مهم‌ترین قواعد به کاررفته در طراحی این شهر، تقارن محوری و توجه به یک نقطه تمرکز در طرح است که در مقیاس‌های مختلف به کار گرفته شده است.

کلیدواژه‌ها

بیشاپور، ساسانیان، طراحی شهر، شهرهای باستانی.

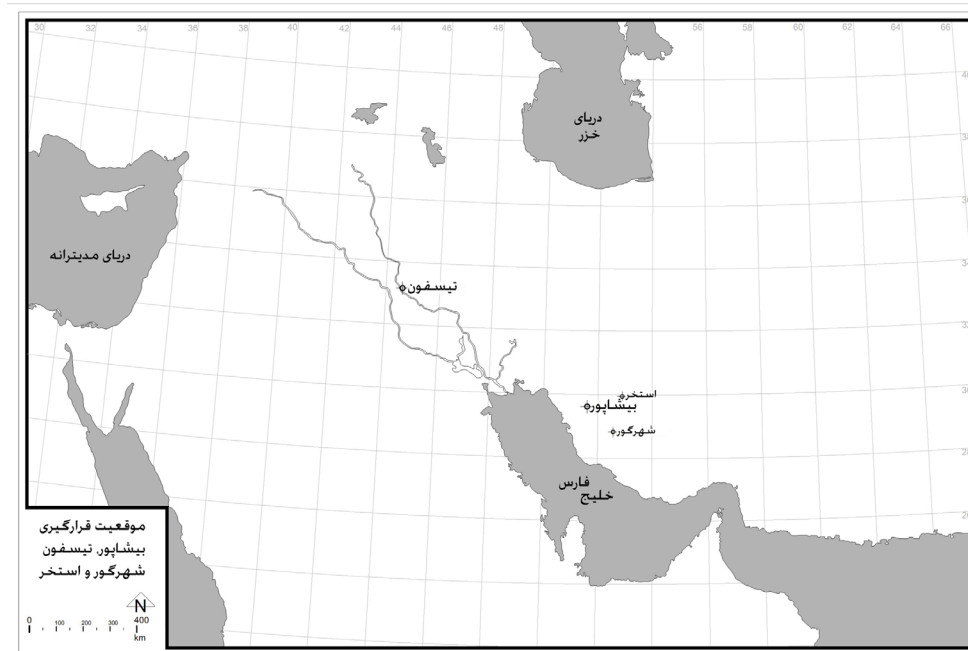
پرسش‌های پژوهش

۱. معماران ساسانی در طراحی شهر بیشاپور از چه الگویی استفاده کرده‌اند؟
۲. آیا طرح بیشاپور در سیر منطقی شهرهای طراحی‌شده ایرانی قرار دارد یا متأثر از شهرهای مغلوب رومی است؟

مقدمه

حاشیه شمالی خلیج فارس و جلگه‌های بین‌النهرین در امتداد آن و دامنه‌های جنوبی و جنوب غربی رشته کوه‌های زاگرس، سرزمین‌های نسبتاً هموار نواری شکلی را در میان گرفته‌اند که در طول تاریخ تمدن بشر، یکی از مناطق مهم استقرار و تردد بوده است. در زمان حکومت ساسانیان، فعالیت‌های عمرانی فراوانی همچون ساخت شهرها در این منطقه صورت گرفته است. «شهر تیسفون، در جلگه بین‌النهرین، تختگاه اصلی و اداری امپراتوری ساسانی بود» (فرای ۱۳۸۹، ۲۲۱) و در امتداد شمال غربی این باریکه قرار داشت (سامی ۱۳۵۵، ۲۴). جهت قرارگیری دره‌های مابین کوه‌های زاگرس، اکثراً موازی این حاشیه بوده است و در نتیجه، راه‌های موازی در میان کوه‌ها شکل گرفته است؛ از طرف دیگر، همین نوع قرارگیری دره‌ها تعداد مسیرهای عمودی که مناطق مرکزی ایران را به حاشیه جنوبی کشور و خلیج فارس منتهی می‌کند، محدود کرده است. به عبارت دیگر، تعداد مسیرهای کاروان‌رو که رشته‌کوه‌های زاگرس را از سمت شمال به جنوب قطع می‌کرده‌اند، اندک و صعب‌العبور بوده‌اند.^۱ یکی از این راه‌ها که شهرهای استان فارس را به جنوب و یکی از مهم‌ترین بنادر تاریخی ایران، یعنی بندر بوشهر متصل می‌کند، از کنار محلی می‌گذرد که شهر بیشاپور در آنجا قرار گرفته است (تصویر ۱). از طرف دیگر، بیشاپور در مسیر اتصال شهر گور به تیسفون قرار داشت. بنابراین، می‌توان گفت بیشاپور در تقاطع دو مسیر بسیار مهم در دوره پیدایش و حیات خود واقع شده بود. برای درک بهتر موقعیت و اهمیت تاریخی و جغرافیایی بیشاپور در نوار حاشیه جنوب و جنوب غربی زاگرس در دوره ساسانی، مروری کوتاه بر تاریخ شروع این سلسله با تکیه بر دیدگاه جغرافیایی ضروری است. خاستگاه ساسانیان شهر استخر است؛ این شهر در دشت‌های کوهپایه‌ای بخش‌های جنوبی زاگرس واقع شده است. با وجود گذشت حدود پنج قرن از سقوط دولت هخامنشی، شواهدی همچون نسبت‌دادن ساسان به اعقاب خاندان هخامنشی (شپیمان ۱۹۹۰، ۱۲)، دال بر این موضوع است که حاکمان شهر استخر و مناطق اطراف آن، همچنان در فکر بازسازی حکومتی متمرکز و بر مبنای اصول مذهبی، به پیروی از هخامنشیان بودند (سامی ۱۳۵۴، ۱۲-۲). جنگ‌های گسترده با پادشاه پارتی ایران در زمان اردشیر بابکان شدت گرفت و در نهایت، به انقراض سلسله اشکانی در حدود سال ۲۲۴ میلادی انجامید (فرای ۱۳۸۹، ۲۲۰-۲۱۸). ضعف حاکمیتی پارتیان در حاشیه جنوبی کوه‌های زاگرس باعث شد تا اردشیر به ساخت قلعه نظامی که امروزه به قلعه‌دختر معروف است، در نزدیکی شهر فیروزآباد کنونی دست بزند. «قلعه‌دختر اجتماع یک کاخ شکوهمند سلطنتی با استحکامات دفاعی است که از نظر سوق الجیشی، چنان در حد کمال هستند که نظیر آن را در سرتاسر تاریخ معماری به‌دشواری می‌توان دید» (هوف ۱۳۵۶، ۲۷) ساختار معماری قلعه‌دختر فیروزآباد نشان از آمادگی دفاعی در مقابل تهاجم نیروهایی فراتر از حاکمان محلی را داشت. در نزدیکی قلعه، در دشت‌های جنوبی آن شهری ساخته شد (همان، ۱۷) که آن نیز به لحاظ فرم هندسی و خندق عظیم آن، نشان‌دهنده حالت دفاعی قابل توجهی بود. اردشیر پس از شکست حاکمان محلی، به گسترش حوزه حکومتی خود در نوار حاشیه جنوبی زاگرس پرداخت و سپس، تمام سرزمین و پایتخت ایران، تیسفون را در اواخر سال ۲۲۶ میلادی تسخیر کرد (شپیمان ۱۹۹۰، ۱۹). بدین ترتیب، سلسله ساسانیان بنیان نهاده شد. در زمان روی کار آمدن جانشین اردشیر، شاپور، تقریباً تمامی مدعیان حکومت در داخل، از میان رفته بودند و تنها مرزها به استحکامات دفاعی عظیم نیاز داشتند. در این دوره، نوار هلالی‌شکلی که بین خلیج فارس و کوه‌های زاگرس تا تیسفون امتداد داشت، علاوه بر اینکه شهرهایی همچون استخر و گور را به مهم‌ترین مرکز سیاسی ایران، تیسفون مرتبط می‌کرد، مرز حاصلخیز بین ایران و همسایگان رومی و عرب بود. مجموع این عوامل باعث شد که این محدوده از کشور،

مورد توجه پادشاهان نخستین ساسانی قرار گیرد و شهرهای زیادی در آن ساخته شود. رویکرد سلسله ساسانیان به مقوله فعالیت‌های عمرانی و ساختمان‌سازی، با دوره‌های قبلی متفاوت بود. تعداد شهرها، قلعه‌ها، پل‌ها و سدهای باقی‌مانده از این سلسله به نسبت دوره اشکانی، مؤید این موضوع است (شیپمان ۱۹۸۰، ۱۳۱-۱۲۵). چندین شهر باستانی در ایران، به‌خصوص در ناحیه جنوب غربی وجود دارند که ساخت آن‌ها به دو پادشاه نخستین ساسانی، اردشیر و شاپور نسبت داده می‌شود. اطلاعات کاملی از نحوه و تعداد شهرهای بنیان‌گذاری این دوره در دست نیست؛ ولی در محدوده اطلاعات موجود دو شهر گور و بیشاپور به ترتیب، به‌عنوان اصلی‌ترین شهرهای دو پادشاه اردشیر و شاپور خوانده می‌شوند. آنچه در خصوص این دو شهر حائز اهمیت است، هندسه منظمی است که در شکل کلی و راستای خیابان‌های آن در نظر گرفته شده است که نشان می‌دهد پیش از احداث آن‌ها نقشه‌های دقیق طراحی شهر تهیه شده بوده‌اند. شهر دایره‌ای گور در زمینی هموار و کاملاً آزاد، هندسه‌ای کاملاً متقارن و منظم دارد، در صورتی که بیشاپور ترکیبی از هندسه منظم در کنار عوارض طبیعی همچون کوه‌ها و رودخانه است. آنچه در این مقاله به آن پرداخته شده است، بررسی هندسه شهری و راستای خیابان‌های آن در کنار تفکیک محله‌ها و فضاهای شهری است تا به الگوهای مورد نظر معماران ساسانی در بنیان‌گذاری شهر بیشاپور دست یابیم. نگاه‌های سطحی در بعضی از بررسی‌های گذشته یا مطالعات متمرکز در یک نقطه از محوطه تاریخی، بدون توجه به کلیت طرح شهری، باعث سردرگمی شده و گاهی اظهارات قابل انتقادی از جمله ادعای الگوبرداری معماری بیشاپور از سرزمین‌های مغلوب زمان شاپور را دارند که در این مقاله، به رفع برخی شبهات پرداخته شده است.



تصویر ۱: نقشه موقعیت قرارگیری مهم‌ترین شهرهای اوایل دوره ساسانی

۱. سوابق پژوهش‌های میدانی در حوزه شهرسازی بیشاپور

تالبوت رایس، اولین کروکی تهیه‌شده از شکل کلی شهر را در گزارشی به سال ۱۹۳۵ به چاپ رساند (Talbot Rice, 1963, 174). این نقشه دقت چندانی ندارد؛ با وجود این، نشان‌دهنده شاخص بودن بعضی اجزای شهری از جمله خندق‌ها و تپه‌های عظیم باستانی بوده است. در این گزارش، برخی از ساختمان‌های نمایان آن زمان و محدوده

شهر که در میان خندق‌ها و رودخانه محصور است و همچنین دو گذری که همدیگر را در میانه شهر قطع می‌کنند، به‌عنوان محورهای عبوری اصلی شهر توصیف شده‌اند. برداشت‌های رایس تنها براساس مشاهدات ظاهری شهر بوده و از دستگاه‌های نقشه‌برداری یا حفاری‌های باستان‌شناسی بهره‌برداری نکرده بود، بنابراین دارای نواقصی است. او متوجه موقعیت کلیدی ستون‌های یادبود و معبد آناهیتا در طراحی شهری نشده و شبکه خطوط صاف و عمود برهم طراحی شهر را تشخیص نداده بود. با وجود این، در کمال شگفتی خطوط بیرونی شهر را شبیه به شهرهایی می‌داند که در دنیای هلنیستی و رومی می‌بینیم (Ibid, 178). این تفکر در تحقیقات پژوهشگران غربی تداوم پیدا کرد. از سال ۱۹۳۵، گیرشمن به‌عنوان اولین کسی که در این محوطه به حفاری‌های باستان‌شناسی پرداخت، دیدگاه جست‌وجوی ردپای معماری رومی در شهر ساسانی شاپور را پیگیری کرد (گیرشمن ۱۹۵۹، ۵۴-۵۱). اولین نقشه نسبتاً دقیق بیشاپور به دست معمار گروه گیرشمن، آندره هاردی ترسیم شد (گیرشمن ۱۹۵۹، ۴۵). در این نقشه، تپه‌ها و دیگر عوارض زمین در کنار گذرها و بناهای مکشوفه ترسیم شدند. شایان ذکر است که گیرشمن و هاردی برای تقویت فرضیه خود که همان جست‌وجوی الگوی طراحی شهری هیپودام یونانی در بیشاپور بود، در ترسیم شبکه معابر شطرنجی شهر تا حدودی اغراق کردند. از طرف دیگر، آنچه در لایه‌های سطحی بیشتر نقاط شهر قابل برداشت است، مربوط به حدود قرن چهارم و پنجم هجری بوده و نمی‌توان آن را به‌طور قطعی، منطبق بر لایه‌های دوره ساسانی تلقی کنیم.^۳

مرحله دوم فعالیت‌های پژوهشی میدانی در بیشاپور را محققان ایرانی و از سال ۱۳۴۷ آغاز کردند. علی‌اکبر سرفراز سرپرست گروه کاوش‌های باستان‌شناسی بیشاپور، به بازخوانی، مرمت و کشف آثار جدید پرداخت. یکی از مهم‌ترین بخش‌های پژوهش وی، کشف استحکاماتی شامل برج و باروهایی مستحکم در شمال نقطه تمرکز کاخ‌های ساسانی بود که بخشی از آن، با شبکه شطرنجی شهر همخوانی نداشت. با این حال، سرفراز نیز به طرح شطرنجی شهر اعتقاد دارد و آن را شامل دو خیابان اصلی و خیابان‌های فرعی عمود برهم می‌داند. وی سازمان فضایی شهر را فاقد مرکزیت شاخص دانسته و سلسله‌مراتب اجتماعی شهر را الگوی طراحی تلقی می‌کند که باعث تشکیل سازمان فضایی دو قطبی در بیشاپور شده است. وی ارگ حکومتی را قطب قوی و نواحی سکونت را قطب ضعیف می‌نامد.^۴ ادامه کاوش‌ها در سال ۱۳۷۴، توسط محمد مهریار ادامه یافت. وی نگاهی متفاوت به محوطه بیشاپور داشت؛ بدین معنی که شناخت معماری و شهرسازی ساسانی بیشاپور را منوط به تجزیه و تحلیل لایه‌های قرون اسلامی می‌دانست که سطح شهر را پوشانده است (مهریار ۱۳۷۹، ۱۱). با این نوع نگاه، بعضی از نظریاتی که در خصوص شهر ساسانی بیشاپور مسلم فرض می‌شد، مورد تردید قرار گرفت. وی اطمینان در وجود خیابان شرقی غربی شهر، به‌خصوص در دوره ساسانی را مردود دانسته و چنین استدلال کرده است که در دو سمت این راه، هیچ‌گونه شاخص معماری آشکار نشده است که خیابانی را تعریف کند. در مقابل، خیابان شمالی جنوبی را به‌عنوان محور اصلی شهر در دوره اسلامی معرفی کرده و به‌دلیل همجواری آن با ستون‌های یادبود و وجود پلی روی رودخانه در امتداد آن، امکان وجود خیابان ساسانی را در زیر لایه‌های اسلامی منتفی ندانسته است (همان، ۴۱-۴۰). مهریار برای تعریف اندام‌های شهری بیشاپور، کروکی‌هایی ارائه کرده که براساس تخمین تراکم‌های ساختمانی ترسیم شده‌اند (همان، ۵۴ و ۵۷).

۲. مروری بر پیشینه هندسه شهری ساسانیان تا پیش از بنیان بیشاپور

در متون^۶ آمده است که شهرهای زیادی در زمان ساسانیان بنیان‌گذاری شدند، با این حال، به‌دلیل عدم وجود اطلاعات میدانی دقیق و کافی، ادعای رسیدن به الگویی که شاخصه طراحی شهر در زمان ساسانیان باشد، مشکل است. گاهی آنچه به‌عنوان معماری و شهرسازی یک دوره تاریخی نام‌گذاری می‌شود، لزوماً منطبق بر تحولات سیاسی نیست؛ برای نمونه، قلعه‌دختر فیروزآباد را که مجموعه‌ای ساسانی تلقی می‌شود، اردشیر بابکان در اواخر دوره اشکانی ساخته است. به‌عبارت دیگر، تحولات معماری متأثر از تغییر عوامل فرهنگی و دانش فنی است که به‌مرور اتفاق افتاده و دقیقاً منطبق بر تغییرات سلسله‌های حکومتی نبوده است. بنابراین، معماری منسوب به ساسانیان با به‌تخت نشستن اردشیر شروع نشده است و یک طیف زمانی را شامل می‌شود و می‌توان گفت که تکوین سبک

معماری ساسانی قبل از شروع سلسله آغاز شده بود. سؤالاتی از این دست که آیا شهر گور شهری ساسانی است یا پارتی، می‌تواند با این دیدگاه توجیه شود.^۷ برای شناخت معماری و شهر ساسانی، باید مروری بر خاستگاه ساسانیان، شهر استخر، داشته باشیم؛ هر چند ریشه‌ای بسیار کهن‌تر دارد. شهر استخر در دامنه‌های جنوبی رشته‌کوه‌های زاگرس و در نزدیکی آثار هخامنشی تخت جمشید است. شکل شهر در زمان به‌وجود آمدن سلسله ساسانی، آن‌چنان روشن نیست؛ ولی اگر آن را شهری بدانیم که به‌عنوان خاستگاه ساسانیان می‌توانسته است بر شهرسازی آتی تأثیرگذار باشد، می‌توان نشانه‌هایی را پیگیری کرد. اولین موضوع مورد توجه، موقعیت قرارگیری و جانمایی شهر است. شهر استخر در بین عوارض طبیعی رودخانه در شمال و کوه در جنوب محصور شده است. به‌عبارت دیگر، استخر شهری است که از عوارض طبیعی برای محافظت از خود بهره‌جسته است؛ بنابراین، هندسه کلی شهر را تحت تأثیر فرم نامنظم آن‌ها قرار داده است. از نظم هندسی احتمالی داخلی اطلاعاتی در دست نیست.

دومین شهر مهمی که در تکوین معماری ساسانی نقش مهمی بازی می‌کند، شهر گور است که توسط اردشیر، بنیان‌گذار سلسله ساسانی ساخته شده است (Huff, 2005). بعضی اعتقاد دارند که این شهر نیز احتمالاً پیش از تشکیل حکومت ساسانیان ساخته شده و متأثر از معماری دوره اشکانی است. همان‌طور که قبلاً نیز اشاره شد، بدون توجه به اینکه این شهر دقیقاً در چه تاریخی طرح‌ریزی شده است و فاصله زمانی آن تا تاجگذاری اردشیر چقدر است، می‌توان محتمل دانست که معماری و شهرسازی اولیه شهر گور متأثر از دوره پارتی باشد. در مطالعه سیر تحول معماری، ترسیم خطوط تفکیک‌کننده زمانی دقیق منطقی نیست.

اردشیر در ساخت شهر خود، الگویی متفاوت را نسبت به شهر اجدادی خود، استخر، به‌کار برد. شهر گور را می‌توان به‌طور خلاصه، شهری با فرم کاملاً هندسی و بی‌نیاز به عوارض طبیعی تعریف کرد (تصاویر ۲ و ۳). این شهر در میان یک دشت هموار ساخته شده و فرم هندسی که برای آن انتخاب شده، دایره‌ای کامل با قطر دو کیلومتر است. این شهر برای تأمین امنیت کمترین بهره‌برداری را از عوارض طبیعی کرده و در عوض، خندقی به دور شهر حفر شده است که متقارن‌ترین شکل ممکن یعنی دایره‌ای شکل است. دایره تنها شکل هندسی است که تمام نقاط محیطی آن نقاط قوت و ضعف یکسانی دارند (Ibid).

تراکم آوار به‌جای‌مانده در شهر گور نشان می‌دهد که مرکز دایره، که احتمالاً حصارهای جداگانه‌ای نیز داشته‌اند، اهمیت بیشتری از لحاظ سلسله‌مراتب شهری و تفکیک محله‌ها داشته است. نقطه اوج طراحی شهر گور در مرکز دایره است. در این نقطه، بقایای سازه‌های مرتفع دیده می‌شود که از دوردست‌ها قابل مشاهده است.



تصویر ۲: عکس ماهواره‌ای شهر استخر (google earth، ۲۰۱۴)



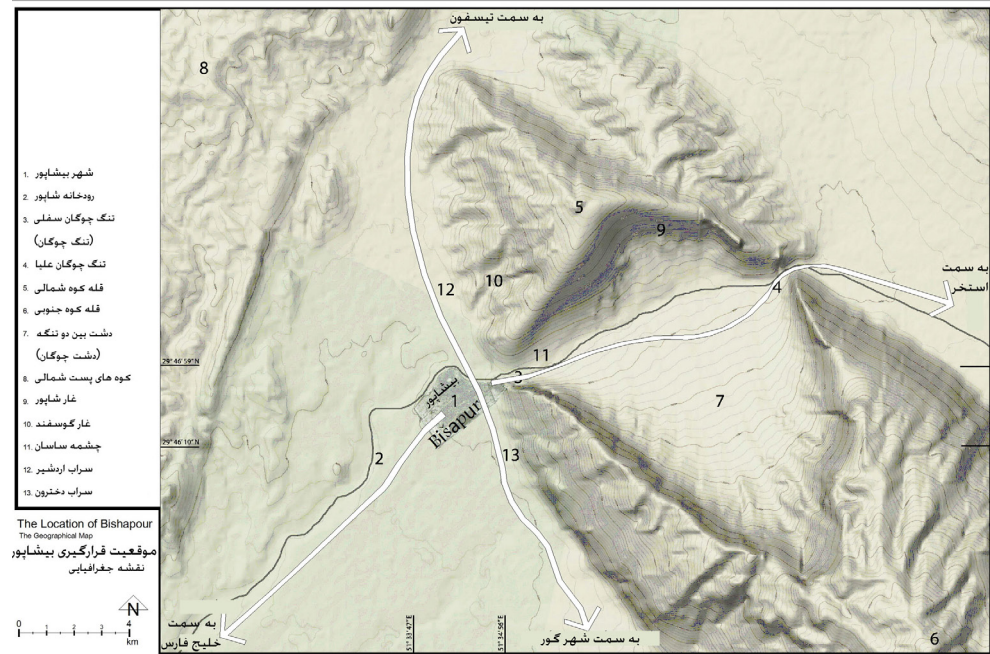
تصویر ۳: عکس ماهواره‌ای شهر گور (google earth, ۲۰۱۴)

۳. موقعیت تاریخی و جغرافیایی بیشاپور

شاپور بین سال‌های ۲۴۰ تا ۲۴۳ میلادی، به‌عنوان دومین پادشاه ساسانی و جانشین پدرش اردشیر بر تخت نشست (فرای ۱۳۸۹، ۲۲۰). پس از روی کار آمدن شاپور، تقریباً هیچ مدعی حکومتی در سرزمین‌های فلات ایران باقی نمانده بود و مرزهای مورد تهدید دشمنان خارجی با منطقه‌ای که بیشاپور در آنجا ساخته شد، فاصله بسیار زیادی داشت. این موضوع از نظر طرح اولیه شهر بسیار حائز اهمیت است؛ برای مثال، قلعه‌دختر فیروزآباد که توسط اردشیر به‌منظور آمادگی برای تقابل با سلسله اشکانی ساخته شده بود، از لحاظ استحکامات نظامی قابل مقایسه با قلعه‌دختر بیشاپور نبود. سازندگان شهر بیشاپور در طراحی کالبد و شکل کلی شهر نیز، به ساخت یک شهر که مهیای جنگی عظیم و قریب الوقوع باشد، نیازی نداشتند.

انتخاب محل ساخت بیشاپور در زمان شاپور اول، بدون پیش‌زمینه تاریخی قبلی نبوده است. این مکان محل عبور مسیرهای باستانی بوده که در زمان ساسانیان نیز به اهمیت آن افزوده شده است؛ زیرا مسیر شهرهای مهمی همچون شهر گور به سمت تیسفون، از این مکان می‌گذشته و یکی از راه‌های اصلی شمالی جنوبی به سمت خلیج فارس نیز بوده است (گیرشمن ۱۳۴۸، ۴۰). علاوه بر اینکه بیشاپور در تقاطع دو راه بسیار مهم قرار داشته، از نظر پیش‌نیازهای زیستی، امتیازات زیادی در منطقه دارد (تصویر ۴). منابع آبی و امنیت دو عامل بسیار مهم حضور بشر در این مکان بوده است. آثاری همچون قبور خریشته‌ای در کوه‌های نزدیک شهر، از مهم‌ترین نشانه‌های زیست بشر در آنجا بوده است (مهریار ۱۳۷۹، ۳۶). هم‌اکنون سه چشمه آب به نام‌های چشمه ساسان، سراب اردشیر و سراب دختر در نزدیکی تنگه چوگان و رودخانه شاپور که تقریباً تمامی اوقات سال آب در آن جاری است، از منابع مطمئن آب در این نقطه بوده‌اند. نشانه‌هایی متعلق به دوره ساسانیان در اطراف این چشمه‌ها وجود دارند. حوضچه دایره‌شکل سراب دختر با سنگ‌های تراش‌خورده ساسانی محصور بوده است که هنوز قطعاتی از آن در محل و موزه بیشاپور وجود دارد. هم‌جوار سراب اردشیر خرابه‌های یک چهارطاقی ساسانی است و چهار نقش برجسته صخره‌ای ساسانی در کنار چشمه ساسان هستند. وجود کوه‌های صخره‌ای در دهانه تنگه چوگان و غارهایی که در دل کوه‌ها جای دارند، مناطق

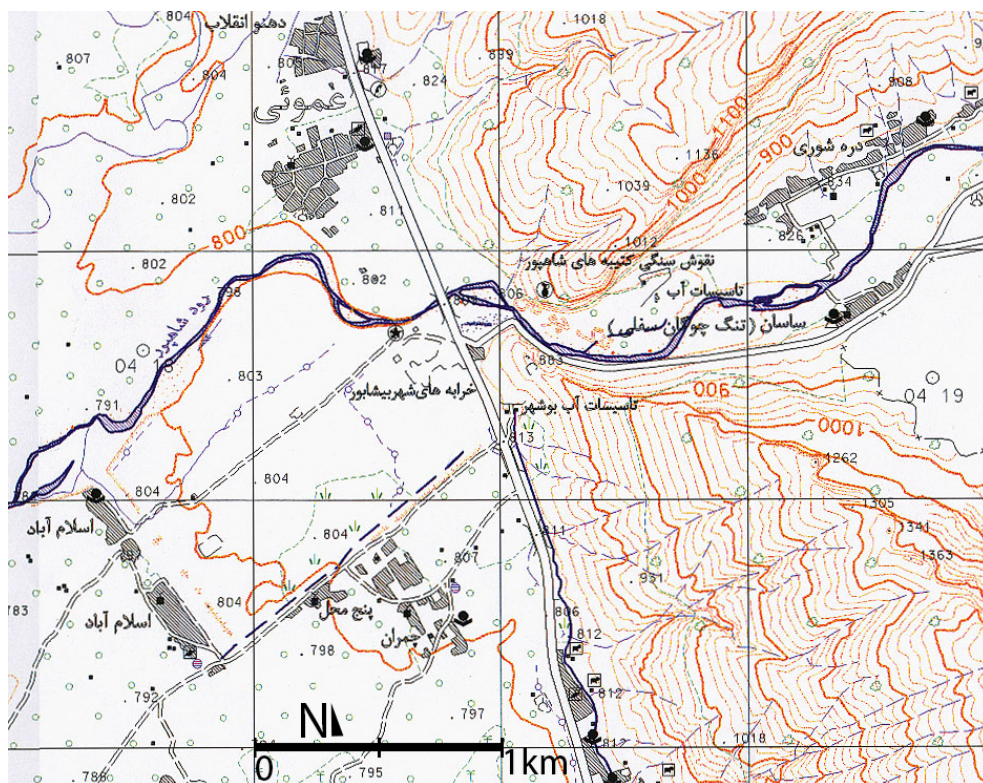
محفوظی برای زیست انسان بوده‌اند. وجود این پیش‌نیازهای زیستی و نشانه‌های قبور خریشته‌ای نشان می‌دهد که این نقطه قبل از دوره ساسانی می‌توانسته است مورد توجه و سکونت بشر واقع شده باشد. با وجود نشانه‌های کهن سکونت انسان در منطقه که به شکل پراکنده دیده می‌شوند، قدیمی‌ترین ساختمان‌ها و مناطق شهری که براساس طرحی کلی و خطوطی منظم ساخته شده‌اند، از دوره ساسانیان آغاز می‌شوند.



تصویر ۴: بیشاپور در تقاطع دو مسیر اصلی باستانی. در حال حاضر، جاده قائمیه به کازرون منطبق بر جاده شمالی جنوبی تصویر فوق است. امامزاده و روستای سید حسین در نزدیکی بیشاپور و در شمال آن قرار دارند (پس‌زمینه نقشه فوق از سایت گوگل برداشت شده است)

۴. تلفیق هندسه منظم و عوارض طبیعی

جانمایی شهر بیشاپور در خروجی تنگه چوگان و در کنار رودخانه، به هر ترتیبی که اتخاذ شده باشد، طراحان خطوط اولیه هندسه شهر را ملزم به استفاده از عوارض طبیعی محیطی کرده است. سه عامل مهم طبیعی که نقش اساسی در طرح شهر داشته‌اند، عبارت‌اند از: تنگه چوگان، رودخانه شاپور و تپه صخره‌ای که در حال حاضر ویرانه‌های قلعه‌دختر روی آن دیده می‌شود. صخره قلعه‌دختر که در دهانه تنگه و در جنوب رودخانه قرار دارد، مسیر رودخانه را به سمت بدنه شمالی منحرف می‌کند. این نوع حرکت آب باعث شده است تا ساحل سمت جنوبی رودخانه، مانند یک دیواره عمودی شکل بگیرد. در مقابل، سیلاب‌های فصلی، ساحل شمالی را هموارتر کرده‌اند. بدین ترتیب، محوطه غربی و جنوب غربی صخره و حاشیه جنوبی رودخانه به‌عنوان زمین‌های محفوظ‌تر و محوطه استقرار شهر انتخاب شده است. (تصاویر ۵ و ۶)



تصویر ۵: مسیر حرکت رودخانه از شرق به غرب و از داخل تنگه چوگان (نقشه ۱:۲۵۰۰۰ سازمان نقشه برداری کشور)



تصویر ۶: حاشیه شمالی بیشاپور. در سمت چپ تصویر تپه‌ای که قلعه دختر بر روی آن ساخته شده، در داخل تنگه دیده می‌شود.

پیش از بیشاپور، محدوده شهر گور که می‌تواند براساس مساحت‌های مورد نیاز شهری شکل گرفته باشد، با ساخت خندقی دایره‌ای شکل به شعاع حدود یک کیلومتر تعیین شده بود. در تعیین محدوده بیشاپور که سازندگان، عوارض طبیعی را در آن دخالت داده‌اند، رودخانه بخشی از خطوط محیطی سطح اشغال شهر را تعیین کرده است. پس مسئله بعدی، نحوه محصور کردن مساحت مورد نظر و انتخاب هندسه طرح است. به دلیل شکل طبیعی حرکت رودخانه و تغییرات مسیر آن، طول و عرض شهر در نقاط مختلف متفاوت است؛ با این حال، می‌توان گفت که تناسب خطوط عرضی و طولی که از مرکز شهر ترسیم شده باشند، یک به یک و چهار دهم است (تصویر ۷). طراحان دو خط عمود برهم را برای محدود کردن اضلاع دیگر محدوده شهر در نظر گرفته‌اند که دو خندق در آنجا حفر شده است. سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود، این است که انتخاب محل این خطوط مرزی و زاویه آن‌ها بر چه اساسی صورت پذیرفته است؟ نکته مهم این است که تمامی ساختمان‌ها و معابری که تا به حال در داخل محوطه کشف و بررسی شده‌اند، از زاویه دو خط مرزی طراحی شده شهر تبعیت کرده‌اند. پرسش بعدی این است که این تبعیت از خارج به داخل بوده یا برعکس؟ یا به عبارتی دیگر، خندق‌هایی که به عنوان حصار جنوبی شهر ساخته شده، از زاویه تعیین شده معابر و ساختمان‌های اصلی شهر تبعیت کرده‌اند یا اینکه طراحان محدوده و زاویه را ترسیم کرده‌اند و سپس، به طراحی فضاهای داخلی شهر پرداخته‌اند. حالت سوم این است که خطوط محدوده شهر و ساختمان‌های اصلی و داخلی و راستای محورهای شهری با هم طراحی شده‌اند.



تصویر ۷: فاصله ستون‌های یادبود تا لبه‌های شهری روی عکس هوایی بیشاپور (زمینه کار عکس هوایی تهیه شده توسط سازمان نقشه برداری کشور است و فاصله‌ها براساس نقشه برداری‌های پایگاه میراث فرهنگی بیشاپور محاسبه شده‌اند.)

همان‌طور که گفته شد، بیشاپور شهری است که پیوستگی محکمی با عوارض طبیعی، مانند کوه و رودخانه دارد که ترسیم خطوط طراحی شهر را هدایت کرده‌اند. تپه صخره‌ای بزرگی که در دهانه تنگ چوگان قرار دارد، نقش تعیین کننده‌ای داشته است. این صخره با دامنه کوه شمالی فاصله بیشتری دارد و رودخانه از این بین عبور می‌کند. در بخش جنوبی، پیوستگی صخره با کوه بیشتر است و می‌توان گفت که قطعه‌ای جدا شده از دامنه‌های شمالی کوه مذکور است (تصویر ۸). با قرارگیری بر فراز صخره و نگاه کردن به اطراف، متوجه می‌شویم که موقعیت آن در منطقه، از نظر دیدبانی، بسیار مهم بوده و محدوده وسیعی را تحت کنترل داشته است. از طرف دیگر، فاصله بین رودخانه و

این صخره کاملاً از فراز آن قابل کنترل بوده است؛ از این رو، قلعه نظامی شهر بر فراز آن ساخته شده است. اتصال کوه جنوبی با صخره از امنیت آن کاسته است؛ بنابراین، ضمن ساختن بلندترین برج و باروهای قلعه در بخش جنوبی، انفصال کوه و صخره به صورت مصنوعی و با کندن کوه تشدید شده است.^۸ این نقطه برای طراحان اهمیت بسیاری داشته است و ضلع جنوب شرقی شهر را از آنجا شروع کرده‌اند. خطی که از این نقطه و به طور نسبی، هم‌راستا با رودخانه ترسیم شده، تعیین‌کننده یا تبعیت‌کننده راستایی است که تمام شهر در کل و جزء، از آن تبعیت کرده است. این خط تقریباً عمود بر کوه شمالی تنگ چوگان در داخل محوطه محصور داخل تنگه است. از طرف دیگر، این خط علاوه بر اینکه به طور کلی و ضمنی، موازی بخشی از رودخانه است، امتداد آن رو به غار شاپور دارد. هیچ‌کدام از مواردی که در اینجا نام برده شد، نمی‌تواند دلیلی قاطع بر انتخاب این زاویه باشد که ۵۲ درجه از جهت شمال به سمت شرق است. مهم‌ترین موضوع در مطالعه هندسه شهر بیشاپور این است که انتخاب این زاویه به هر دلیلی که صورت پذیرفته باشد، در تمامی اجزای کلی و جزئی شهر محترم شمرده شده و تمام ساخت‌وسازهای اصیل شهر از آن تبعیت کرده‌اند. هم‌راستا بودن این زاویه با جهت قبله باعث شده است که شهر در دوره اسلامی نیز به همان روال قبل، حفظ شود و ساختمان‌های دوره اسلامی نیز تقریباً^۹ از آن تبعیت کنند (تصویر ۹).



تصویر ۸: قلعه دختر بیشاپور. دید از سمت شمال شرقی و از فراز قلعه پسر



تصویر ۹: نقشه شهر بیشاپور (این نقشه از تلفیق و تطبیق عکس‌های هوایی، نقشه‌های تهیه‌شده توسط پایگاه و برداشت‌های میدانی ترسیم شده است).

۵. اهمیت نقطه مرکزی در طراحی شهر بیشاپور

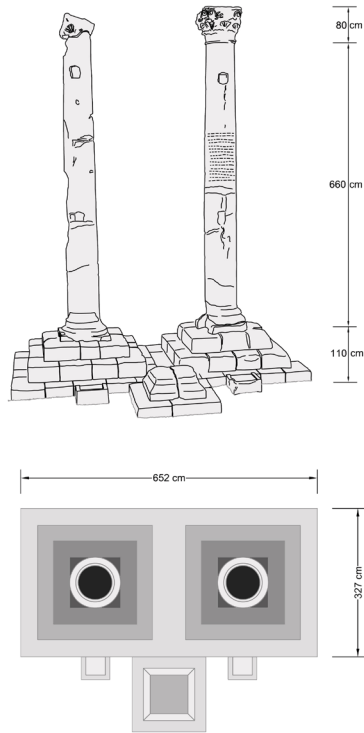
در میان توده‌آوار فروریخته شهر بیشاپور، تنها بخش اندکی از آثار مربوط به دوره ساسانی نمایان است. جهت حرکت رودخانه و شیب زمین از سمت شمال شرقی به جنوب غربی، باعث شده است تا گل و لای ناشی از سیلاب‌ها، بخش‌های جنوب غربی را بیش از نقطه مقابل آن در شمال شرقی بیوشاند. به عبارت دیگر، هرچه قدر در این راستا حرکت کنیم، ضخامت لایه‌ها بر روی آثار ساسانی بیشتر می‌شود. باید یادآوری شود مکانی‌یابی شهر به شکلی صورت پذیرفته است که کمترین آسیب‌های ناشی از طغیان رودخانه را شامل گردد؛ با این حال، در جریان باران‌های سیل‌آسای منطقه، لایه‌های سطحی شهر شسته و جابه‌جا می‌شوند. در فواصل دوره‌های شکوفایی شهر که تمهیدات لازم اعم از دیوارهای حایل از هجوم آب رودخانه به داخل شهر جلوگیری می‌کرده، گاهی آسیب‌های ناشی از سیل اجتناب‌ناپذیر بوده است. وجود صخره‌ای که قلعه‌دختر بر روی آن ساخته شده است و جهت حرکت رودخانه را به سمت شمال منحرف کرده، نیز باعث شده است که منطقه شمال شرقی از محفوظ‌ترین نقاط شهر به حساب آید و معماران ساسانی با اشراف به این موضوع، مهم‌ترین ساختمان‌های خود را در آنجا بنا کرده‌اند که در بخش‌های بعدی، با عنوان محله شاهی بیشتر به آن خواهیم پرداخت.

در چنین وضعیتی، تنها اثر شاخص و نمایان مربوط به دوره ساسانی، ساخته‌ای نمادین^{۱۰} در میانه شهر است که به ستون‌های یادبود معروف شده است (مهریار ۱۳۷۸، ۳۵-۳۴). این نماد مرکب از دو ستون با سرستون‌های کورتین روی سکویی سنگی است (تصاویر ۱۰ و ۱۱). نکته‌ای که در این مطالعه حائز اهمیت است، مکان و جهت قرارگیری این دو ستون است. استفاده معماران ساسانی از یک عنصر دو نقطه‌ای به قصد تعیین یک راستا و جهت است؛ دو جهت عمود برهم که یکی در امتداد ستون‌ها و دیگری عمود بر فاصله دو ستون بوده است. نکته‌ای که در خصوص این راستا اهمیت زیادی دارد، جهت‌گیری آن است که با محورهای اصلی شهر هماهنگ است. ستون‌ها و سکویی که روی آن قرار گرفته‌اند، دقیقاً در راستایی هستند که خطوط مرزی شهر شامل خندق‌ها از آن تبعیت کرده‌اند. وجود

پلی که در امتداد محور بین دو ستون بر روی رودخانه وجود دارد، تأییدکننده وجود این محور در خطوط اصلی طراحی شهری بیشاپور است. امتداد این محور در جهت مقابل، در نقطه‌ای که به خندق جنوب شرقی شهر ختم می‌شود، از لحاظ باستان‌شناسی ناشناخته باقی مانده است و معبری مانند آنچه آثارش بر روی رودخانه مشهود است، در وضعیت فعلی روشن نیست (تصویر ۱۲). نکته مهمی که در اینجا اهمیت دارد، فاصله ستون‌های یادبود با رودخانه و خندق است. براساس نقشه‌برداری‌های انجام‌شده، فاصله ستون‌ها تا لبه رودخانه نزدیک به ۵۳۰ متر است که دقیقاً برابر فاصله آن‌ها تا خط فرضی خندق است.^{۱۱} از این رو، نتیجه‌گیری می‌شود که ستون‌های یادبود دقیقاً در میانه فاصله رودخانه و خندق ساخته شده است. این موضوع بررسی فاصله‌های عمود بر این محور را نیز ملزم می‌کند. فاصله ستون‌ها تا خندق جنوب غربی، ۷۴۲ متر است. با اندازه‌گیری این فاصله در جهت مخالف، یعنی در محور شمال شرقی، به نقطه‌ای می‌رسیم که هم‌اکنون در میانه رودخانه قرار دارد (تصویر ۷). بررسی کلی حرکت رودخانه و نوع انحنای آن در حاشیه جنوبی قلعه‌دختر و چرخش مجدد آن به سمت شهر، این گمان را تقویت می‌کند که رودخانه در سال‌های پس از احداث شهر، به سمت جنوب پیشروی داشته و بخش‌هایی از زمین‌های مرتفع این بخش را با خود شسته و برده است. در سال‌های اخیر، عملیات عمرانی که در بستر رودخانه در تنگ چوگان انجام شد، بخشی از بقایای معماری ساسانی بیشاپور را هویدا کرد.^{۱۲} در این میان، سنگ‌هایی از کف رودخانه خارج شد که هم‌اکنون در محوطه شهر نگهداری می‌شوند. این سنگ‌های نسبتاً بزرگ که حالت کلی آن‌ها نشان می‌دهد کاملاً تراش‌خورده و با اتصالات فلزی دم‌چلچله‌ای به یکدیگر متصل بوده‌اند، به پایه‌های یک پل عظیم می‌مانند که از بستر رودخانه بیرون کشیده شدند. نکته قابل توجه در این مقاله این است که فاصله ستون‌های یادبود از خندق جنوب غربی برابر فاصله آن‌ها تا همین نقطه‌ای است که سنگ‌های عظیم پل باستانی از آنجا خارج شد؛ از این رو، می‌توان نتیجه‌گیری کرد که تساوی فاصله ستون‌های یادبود با اضلاع شهر در این محور نیز صدق می‌کند.



تصویر ۱۰: ستون‌های یادبود ساسانی در میان آوار دوره اسلامی. دید از غرب به شرق

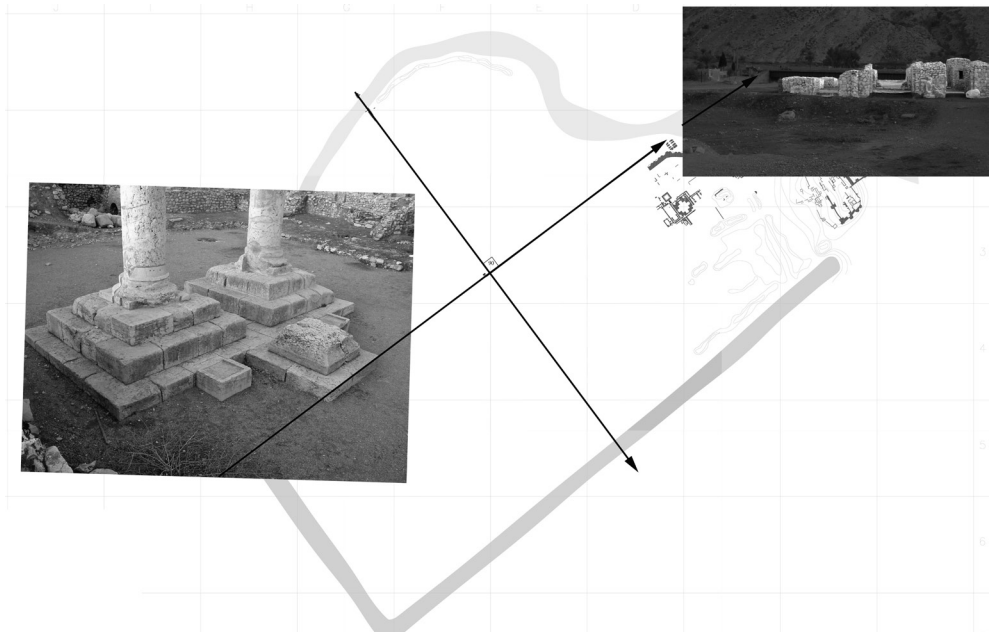


تصویر ۱۱: پلان و ترسیمی از حجم ستون‌های یادبود

مطالعات معماری ایران

دو فصلنامه معماری ایرانی
شماره ۶ - پاییز و زمستان ۹۳

۱۱۹



تصویر ۱۲: هماهنگی راستای قرارگیری ستون‌های یادبود با محورها و خندق‌های شهر

از این مطلب نتیجه‌گیری می‌کنیم که ستون‌های یادبود در مرکز محوطه‌ای که برای احداث شهر در نظر گرفته شده، ساخته شده‌اند. این پرسش که آیا شهر براساس مرکزیت ستون‌های یادبود ساخته شده یا اینکه ستون‌های یادبود بعداً در مرکز شهر مستقر شده‌اند، قابل پاسخ‌گویی نیست. اهمیت نقطه مرکزی در شهر برای معماران ساسانی سابقه در شهری دارد که اردشیر در جریان بنیان سلسله جدید احداث کرد. در شهر گور بنایی مرتفع در مرکز شهر ساخته شده است. از نظر کالبدی، فرم دایره‌ای شکل شهر گور تمرکز در مرکز را بیش از دیگر اشکال هندسی القا کرده و ساختمان مرتفع مرکزی آن را تأکید می‌کند؛ با این حال، همان‌طور که شرح داده شد، طراحان ساسانی در زمان شاپور نیز با وجود آنکه فرم کلی شهر شکل متمرکزمانند دایره ندارد، همچنان بر نقطه مرکزی در طراحی بیشاپور تأکید کرده‌اند.

۶. محله شاهی

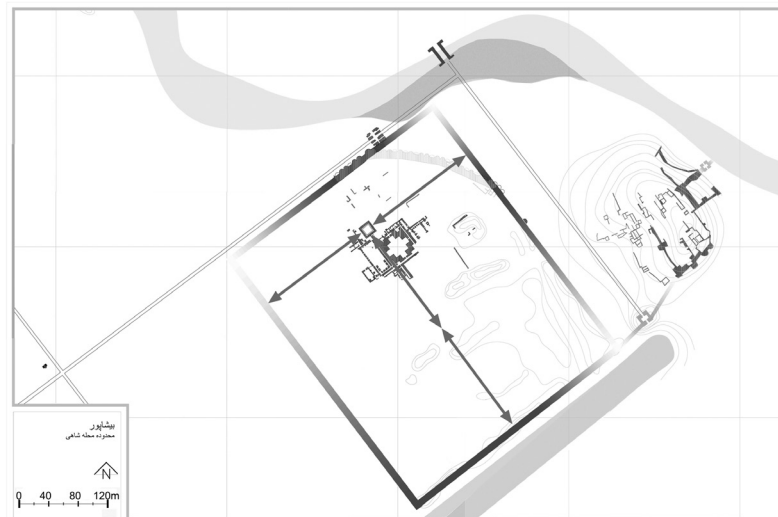
تفکیک لایه‌های تاریخی متعلق به دوره ساسانی، در میان انبوه آوار فروریخته شهر، کار ساده‌ای نیست. تا پایان دوره حیات شهر، یعنی در حدود پنج قرن پس از فروپاشی سلسله ساسانی، عمده مصالح ساختمان‌سازی‌ها سنگ‌های به‌جای‌مانده از بناهای نیمه‌مخروبه و قدیمی‌تر بوده است (مهریار ۱۳۷۹، ۱۳۸-۱۱). این روند باعث شده است تا تهرنگ پلان‌های احتمالی به‌جای‌مانده از خطوط اصلی طراحی شهر، در زیر آوار متعلق به دوره اسلامی مدفون شود. این پوشش لایه‌های تاریخی در تمام نقاط شهر یکسان نیست و دلیل عمده آن، شیب طبیعی زمین و جهت رودخانه از سمت شرق به غرب است. سیلاب‌های رودخانه رسوبات خود را در مناطق پست‌تر غربی محدوده شهر بیش از بخش‌های شرقی به‌جای گذاشته است. گمانه‌زنی‌های نقاط مختلف شهر این موضوع را تأیید می‌کند. اختلاف تراز کف بناهای دوره اسلامی با کاخ‌های ساسانی در پای قلعه‌دختر نزدیک به صفر است، درحالی‌که در میانه شهر، آثار دوره اسلامی به‌طور متوسط دو متر بالاتر از سطح ستون‌های یادبود ساسانی شهر قرار دارند. در مناطق غربی، تفاوت تراز لایه‌های اوایل دوره اسلامی، که می‌توان آن را هم‌تراز لایه آخر دوره ساسانی دانست، با لایه‌های متأخر اسلامی به حدود سه متر می‌رسد (همان، ۷۸-۷۵).

وضعیت لایه‌های تاریخی شهر باعث شده است که اطلاعات مربوط به معماری ساسانی در بخش‌های شرقی شهر، بیش از دیگر نقاط باشد. آگاهی از وضعیت سیلاب‌های احتمالی رودخانه و مسائل امنیتی دیگر، یکی از دلایلی است که طراحان اولیه بیشاپور را بر آن داشته است تا مهم‌ترین ساختمان‌ها را در حاشیه غربی قلعه‌دختر بنا کنند. اولین کاوشگران باستان‌شناس به اهمیت تپه‌های عظیم این محدوده پی بردند و نتایج حفاری‌ها، کاخ‌های عظیم ساسانی شهر را نمودار ساخت (گیرشمن ۱۳۳۸، ۱۶-۱۵). معرفی این بخش از شهر که شامل کاخ‌ها و معبد می‌شود، به‌عنوان محله شاهی یا ارگ حکومتی اعلام و پذیرفته شده است؛^{۱۳} ولی سؤال مهمی که مطرح می‌شود، چگونگی خطوط مرزی این محوطه است. آیا محله شاهی حصار اختصاصی و تعریف‌شده در داخل محدوده شهر داشته است؟ برای پاسخ به این سؤال، دوباره موضوع هم‌پوشانی لایه‌های تاریخی شهر را مرور می‌کنیم. همان‌طور که گفته شد، بخش‌های زیادی از خطوط معماری احتمالی دوره ساسانی در زیر لایه‌های دوره اسلامی مدفون است و فقط بخش اندکی از آن‌ها در طی حفاری‌های باستان‌شناسی پدیدار شده‌اند. در میان محدود آثار نمایان دوره ساسانی، تطابق محورهای قرارگیری بناها و مسیرها نشان می‌دهد که تحول ساختار^{۱۴} شهری بیشاپور پس از فروپاشی حکومت ساسانی، همچنان از محورهای اصلی شهر ساسانی تبعیت کرده است. مهم‌ترین دلیل این هماهنگی، تطابق تصادفی محورهای انتخابی طراحان ساسانی با جهت قبله بوده است.^{۱۵} خیابانی که از کنار ستون‌های یادبود گذشته و به پلی می‌رسد که روی رودخانه، در حدود میانه ضلع شمالی شهر احداث شده، یکی از محورهای مهم شهر ساسانی بوده است و در دوره‌های اسلامی نیز اهمیت خود را حفظ کرده و مهم‌ترین محور شهر اسلامی بیشاپور نیز بوده است (مهریار ۱۳۷۹، ۵۸-۵۲).

با توجه به این مقدمه، باید متذکر شد که برای مطالعه معماری ساسانی شهر بیشاپور، بایستی معماری و شهرسازی دوره اسلامی بیشاپور را کاملاً بشناسیم و تطابق فعالیت‌های عمرانی دو دوره شهر را با یکدیگر تخمین بزنیم.

بنابراین، حجم تپه‌ها و آوار فروریخته دوره اسلامی، بعضی از خطوط ساسانی زیرین را می‌تواند توصیف کند که در مطالعه محله شاهی، به بخشی از آن در اینجا اشاره می‌کنیم.

با نگاهی کلی به عکس‌های هوایی و ماهواره‌ای بیشاپور، متوجه خطی در جهت شمال غربی به جنوب شرقی در میانه راه بین کاخ‌های ساسانی و ستون‌های یادبود می‌شویم. در سمت غربی این خط فرضی بافت متراکمی بوده است که میزان تراکم آوار فروریخته نمایانگر آن است و در سمت شرق آن، محوطه‌های همواری دیده می‌شوند که می‌توانسته است حیاط‌ها و باغ‌های محوطه شاه‌نشین باشد. این اختلاف بافت متعلق به دوره اسلامی است؛ به عبارت دیگر، برای ساخت خانه‌های کوچک متراکم شهر در دوره اسلامی، مرزی وجود داشته است (حمزه‌نژاد ۱۳۹۳). این خط عمود بر راستای خندق در جایی بر خاکریزهای کناره داخلی خندق منتهی می‌شود که باز هم مفهوم منطقه‌بندی در شهر را تأیید می‌کند. در کناره داخلی خندق جنوب شرقی، خاکریزی وجود دارد که حفاری‌های باستان‌شناسی^{۱۶} بخشی از دیوار آن را نمایان کرده است. این دیواره دقیقاً در نقطه‌ای که خط فرضی وصف شده به خندق می‌رسد، قطع می‌شود. در جبهه شمالی محدوده کاخ‌های سلطنتی، سازه شاخص‌تری دیده می‌شود. در این قسمت، آثاری از دیواره‌های متشکل از بارو و برج‌های متراکم وجود دارد. در نگاه نخست، این استحکامات شکل هندسی هماهنگ با راستاهای اصلی شهر ندارند؛ ولی با دقت بیشتر می‌توان آن را به بخش‌های قابل تفسیر تقسیم کرد. در قسمت شمال غربی، بخشی از برج و باروها موازی محورهای اصلی شهرند. فضای بیرونی قسمت شکستگی حصار یک بنای اصیل ساسانی است که از نظر ترکیب معماری، منطق استواری ندارد؛ بنابراین، می‌توان به اصالت استحکامات در بخش شکستگی آن در پلان شک کرد. در بخش شمال شرقی، جاده بخش‌های زیادی از استحکامات را از بین برده است؛ با این حال، نشانه‌ای در سوی دیگر جاده هنوز باقی است که می‌تواند سرنخ خوبی برای تعیین هندسه اصلی محوطه منسوب به محله شاهی در دسترس ما قرار دهد. این نشانه مهم، برجی است که اگر آن را با یک خط فرضی به آخرین برج سمت دیگر جاده متصل کنیم، متوجه می‌شویم که این راستا با همان محورهای اصلی شهر موازی است. ادامه این خط در جهت دیگر نیز در جایی به خندق منتهی می‌شود که باز هم از نظر هندسه شهری و کنترل دروازه‌های شهر منطقی است. جاده‌ای که به دروازه شهر منتهی می‌شده، پس از دور زدن خندق و گذر از بین این حصار و قلعه‌دختر، کاملاً قابل کنترل بوده است. در این نقطه، هنوز آثار تپه و دروازه احتمالی شهر قابل شناسایی است.^{۱۷} اگر این خطوط را به یکدیگر متصل کنیم، مستطیلی حاصل می‌شود که مهم‌ترین ساختمان‌های دوره ساسانی در آن جای داشته‌اند. (تصویر ۱۳)



تصویر ۱۳: محدوده پیشنهادی محله شاهی و خیابان‌های اصلی شهر. موقعیت معبد آناهیتا در محله شاهی

در میان ساختمان‌های محله شاه‌ی، بنایی موسوم به معبد آناهیتا وجود دارد که از نظر تکنیک و ساختار معماری، با دیگر بناهای محوطه تفاوت دارد (منصوری‌فرد ۱۳۸۶، ۶۷۶-۵۶۱). نحوه قرارگیری ورودی این بنا در کنار تالارها و کاخ‌ها حاکی از آن است که می‌توانسته قدیمی‌تر از همسایگان باشد. بدین صورت که پله‌های ورودی معبد در تقاطع دالان‌های شمالی و غربی کاخ چلیپایی شروع می‌شود که عرضی حدود دو متر دارد و هیچ‌گونه فضای پیش‌ورودی به داخل معبد در نظر گرفته نشده است. از آنجایی که جزئیات طراحی بسیار دقیقی در ساخت معبد آناهیتا به کار رفته است، عدم توجه به فضای دسترسی و ورود به آن غریب به نظر می‌رسد و فرضیه متأخر بودن کاخ چلیپایی و دالان‌های محیطی آن نسب به ساخت معبد را تقویت می‌کند. آنچه در مطالعه هندسه شهری بیشاپور می‌تواند در خصوص معبد آناهیتا مورد توجه قرار گیرد، فاصله آن از اضلاعی است که به‌عنوان محدوده محله شاه‌ی پذیرفته‌شده است. معبد آناهیتا دقیقاً در میانه فاصله دو ضلع شمال شرقی و جنوب غربی محله شاه‌ی واقع شده است.

نتیجه‌گیری

شهرهایی در حاشیه جنوب غربی ایران وجود دارند که پایه‌گذاری آن‌ها منسوب به دو پادشاه نخستین سلسله ساسانی، یعنی اردشیر و شاپور است. ساخت هر یک از این شهرها اهدافی را دنبال می‌کرد که می‌توانست در شاخصه‌هایی همچون نظامی، سیاسی، اقتصادی یا اقامتگاهی قرار گیرد؛ برای نمونه، اردشیر برای رسیدن به هدف بزرگ خود که همان به‌زیرکشاندن پادشاهان اشکانی و به‌دنبال آن، تأسیس سلسله جدید بود، شهر گور را بنا کرد. این شهر از نظر فرم هندسی که از یک دایره کامل تشکیل شده است، آمادگی در مقابل حملات نظامی را داشت و وجود استحکامات قلعه‌دختر در کنار آن، این موضوع را تأیید می‌کند. در زمان شروع پادشاهی شاپور، تقریباً تمامی رقبان داخلی مغلوب شده بودند و امنیت در سرزمین‌های داخلی تأمین شده بود؛ بنابراین، شاپور برای ساخت شهر مورد علاقه خود، بیشاپور، احتیاج کمتری به استحکامات تسخیرناپذیر داشت. تفاوت قلعه‌دختر بیشاپور و قلعه‌دختر شهر گور گویای این مطلب است.^{۱۸} مطالعه شکل کلی شهر بیشاپور نشان می‌دهد که معماران ساسانی تصمیم به تلفیق هندسه منظم با عوارض طبیعی گرفتند. معماران شاپور اول ساسانی برای ترسیم شبکه‌بندی شهر و خطوط مرزی و حصار آن، دو محور عمود برهم را ملاک کار قرار دادند. بنا بر مساحت مورد نیاز و با در نظر گرفتن تناسبات جهت‌گیری‌های لازم، دو خندق عمود برهم به‌عنوان حاشیه جنوب شرقی و جنوب غربی احداث شد. زاویه قرارگیری این دو خندق در تمامی ساخت‌وسازها و شبکه‌های داخلی شهر به‌کار گرفته شد. بدین معنی که راستای قرارگیری ساختمان‌ها و محورها شهر و خیابان‌ها و کوچه‌ها موازی یکی از این دو خندق عمود برهم هستند؛ بنابراین، شبکه‌ای از خیابان‌های موازی و عمود برهم شکل گرفت. می‌توان این‌طور فرض کرد که خطوط اولیه طراحی بیشاپور براساس تعیین محدوده بیرونی و نظم محوری درونی بوده است. گاهی این شبکه به‌عنوان نظم شطرنجی تلقی شده است که نمی‌تواند توصیف دقیقی باشد. گاهی در ترسیم نقشه شهر بیشاپور در تلقین هرچه منظم‌تر بودن این شبکه اغراق شده است.^{۱۹} فاصله بین خیابان‌های موازی منظم و برابر نیست و ساخت‌وسازهای بین این شبکه متقاطع نیز الگوی هماهنگ و یکسانی ندارد. بعضی خطوطی که به‌عنوان گذرهای این شبکه ترسیم شده‌اند، در واقع، آوار ناشی از لبه‌های تخریب‌شده بناها یا حیاط‌ها هستند که لزوماً کوچه یا خیابانی را در کنار خود نداشته‌اند. آنچه در شبکه‌بندی شهر بی‌تردید ملاک عمل بوده، راستای قرارگیری نسبت به جهت شمال است؛ بدین ترتیب که تمامی گذرها و ساختمان‌ها با چرخش ۳۸ درجه‌ای به سمت غرب نسبت به محور شمال ساخته شده‌اند. در واقع، این زاویه به‌عنوان جهتی که معیارهای مورد نظر طراحان را تأمین کرده، انتخاب شده و به‌کار رفته است.

موضوع مهم دیگری که در طراحی شهر بیشاپور بسیار مورد توجه بوده، مرکزیت و محوریت است. قرارگیری ستون‌های یادبود در محوطه‌ای که در مرکز شهر واقع شده و فاصله مساوی معبد آناهیتا از دو ضلع فرضی محله شاه‌ی، دنباله تفکری است که ساختمان مرتفع در شهر گور را احداث کرده است. شهر گور، به‌علت فرم هندسی دایره‌ای، مرکزیت بروز بیشتری دارد و در طرح تقریباً مستطیلی بیشاپور، تقارن محوری نمود پیدا کرده است؛ بنابراین، بیشاپور شهری است که با تلفیق عوارض طبیعی و طرح معابر هم‌راستا و عمود برهم و با تأکید بر خطوط محوری شکل گرفته است.

پی‌نوشت‌ها

۱. لسترنج در کتاب جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی، به تشریح معدود شاهراه‌هایی که از استان فارس به سمت خلیج فارس وجود داشته، پرداخته است (لسترنج ۱۲۸۴، ۳۲۰-۳۱۷ و نقشه‌های ۱ و ۶). نقشه‌ای که تعداد و مسیر کاروان‌سراهای این مناطق را در کتاب کاروان‌سراهای ایران به تصویر کشیده است نیز این مطلب را تأیید می‌کند (کیانی ۱۳۷۳، ۱۹۶).
۲. نتایج تحقیقات گیرشمن در دو جلد کتاب در سال‌های ۱۹۵۹ و ۱۹۶۹ به چاپ رسید که جلد اول به نام بیشاپور و جلد دوم به نام موزائیک‌های ساسانی به فارسی ترجمه شده‌اند.
۳. مهریار در پیش‌گفتار جلد اول ترجمه کتاب بیشاپور، نوشته رومن گیرشمن، به نقد نظریات ایشان در خصوص طراحی شهری بیشاپور پرداخته است.
۴. «سازمان فضایی شهر بیشاپور ساسانی فاقد مرکز و هسته قدرتمند و شاخص بوده است. دلیل عمده این امر را می‌توان بیرون رفتن فعالیت‌های اصلی و قوام‌دهنده شهر باستانی، یعنی معبد و کاخ شاهی از شهر و استقرار آن‌ها، به‌عنوان کل کوچک در حاشیه بیرونی شهر دانست. این شیوه شکل‌گیری شهری با سازمان فضایی، دو قطبی پدید آورده که قطب قوی آن ارگ حکومتی و قطب ضعیف آن نواحی سکونتی اشراف و طبقات برگزیده بوده است» (سرفراز و تیموری ۱۳۸۶، ۱۰۱).
۵. منظور از «راه» در اینجا مسیر بین آوار فروریخته شهر است که در اثر عبور و مرور در طی قرون متمادی پس از متروکه شدن شهر در جهت شرقی غربی آن ایجاد شده است.
۶. در کتاب شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان آمده است: «در مجموعه نوشته‌های موجود به زبان پهلوی، جزوه کوچکی به نام شهرستان‌های ایران وجود دارد. در این جزوه، نام شهرهای ایران، اوضاع و احوالی که موجب پدید آمدن شهرهای مذکور شده و نیز نام بنیادگذاران این شهرها ارائه شده است» (پیگولوسکایا ۱۳۷۷، ۱۵۹). بخش‌های موجود این نوشته توسط احمد تفضلی ترجمه و به چاپ رسیده است (تفضلی ۱۳۶۸، ۳۳۳-۳۴۸).
۷. دیتیریش هوف، محقق آلمانی، درباره‌ی واژه معماری ساسانی نظر جالبی دارد: «عبارت معماری ساسانی - هرگاه به بیش از چهارصد سال قدمت این دوران توجه کنیم - در درجه اول جنبه اعتباری می‌یابد؛ چرا که برخلاف سایر اصطلاحات تاریخ هنر مثل رنسانس، باروک یا کلاسیسیسم، عبارت معماری ساسانی بازگوکننده ویژگی‌های خاص اشیاء هنری مورد بحث نمی‌باشد، بلکه با اقتراان این اشیاء با سلسله حاکم بر تمامیت سیاسی این دوران اشاره دارد. ... با این حال، اصطلاح معماری ساسانی از دیدگاهی دیگر قابل توجیه است. فقط دوران‌های سیاسی معدودی هستند که با احداث بناهای عظیم، براساس انگیزه‌های سیاسی قابل مقایسه با وضع ساسانیان آغاز می‌شود» (هوف ۱۳۵۶، ۱۹).
۸. البته شایان یادآوری است که استحکامات نظامی قلعه دختر بیشاپور بسیار ضعیف‌تر از قلعه دختر شهر گور بوده و در حد تأمین امنیت داخلی و در مقابله با تهاجمات محدود طراحی شده است.
۹. جهت‌گیری بعضی از ساختمان‌های دوره اسلامی اندکی متفاوت است. نمونه آن بنایی موسوم به مدرسه در نزدیکی کاخ چلیپایی است.
۱۰. این ستون‌ها کاربری سازه‌ای ندارند.
۱۱. اندازه‌گیری از بدنه داخلی تپه خندق انجام شده است.
۱۲. در حین عملیات پل‌سازی که در سال ۱۳۸۱ هجری شمسی بر روی این نقطه انجام شد، ماشین‌آلات راه‌سازی بدون درنظرگرفتن اهمیت منطقه و با بی‌توجهی به تلاش‌های مظلومانه دوست‌داران میراث فرهنگی، شروع به پی‌کنی در کف رودخانه کردند.
۱۳. واژه محله شاهی در نوشته‌های مهریار (۱۳۷۹، ۳۹) و ارگ حکومتی در نوشته‌های سرفراز (۱۳۸۶، ۹۸) به کار رفته‌اند.
۱۴. منظور از تحول در ساختار شهری در اینجا افزایش ساختوسازهای داخل محدوده شهر در دوران اسلامی است.
۱۵. البته این بدین معنا نیست که در پیدایش شهرهای اسلامی، محورهای شهری لزوماً منطبق بر جهت قبله بوده‌اند. در بیشاپور، این هم‌راستایی اتفاق افتاده است و دلیلی برای تغییر آن وجود نداشت.
۱۶. این کاوش‌های باستان‌شناسی به سرپرستی ناصر نوروززاده چگینی به انجام رسید.
۱۷. در همه نقشه‌هایی که از شهر بیشاپور تهیه شده است، تپه‌ای در این نقطه دیده می‌شود. در کروکی تالبوت رایس، جاده

قدیمی از بین دو تپه کوچک در این نقطه رد می‌شده است. هم‌اکنون در اثر تخریب بخشی از تپه، آثار ساخت‌وسازهای معماری دوره ساسانی در زیر آن هویدا شده است. اظهار نظر قطعی درباره وجود یک دروازه در این نقطه، منوط به کاوش‌های باستان‌شناسی است.

۱۸. در بخش مقدمه، مروری بر پیشینه هندسه شهری و همچنین، در بخش موقعیت تاریخی و جغرافیایی بیشاپور، درباره تفاوت قلعه‌دختر شهر گور و بیشاپور صحبت شد.

۱۹. نقشه‌ای که هاردی تهیه کرده و در کتاب بیشاپور گیرشمن به چاپ رسیده است، برای تقویت منظر شطرنجی که نظریه نسبت دادن بیشاپور به طرح هیپودام را تأیید کند، حتی از تقسیم‌بندی کرت‌های کشاورزی بسیار متأخر نیز سود برده است، در صورتی که بسیاری از کوچه‌های شهر امتداد سراسری ندارند و در تقاطع با گذری دیگر قطع می‌شوند.

منابع

- پیگولوسکایا، ن. ۱۳۷۷. شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان. ترجمه عنایت الله رضا. چاپ سوم. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- تفضلی، احمد. ۱۳۶۸. شهرستان‌های ایران. ۳۴۸-۳۳۳ در: محمد یوسف کیانی. شهرستان‌های ایران ۲. تهران.
- حمزه‌نژاد، مهدی و پریا سعادت‌جو و مجتبی انصاری. ۱۳۹۳. بررسی تطبیقی باغ‌سازی ایران در دوران ساسانی و اسلامی بر اساس توصیف‌های بهشتی. دو فصلنامه مطالعات معماری ایران ۱ (۵): ۷۹-۵۷.
- سازمان نقشه‌برداری کشور.
- سامی، علی. ۱۳۵۵. معماری ایرانی در عهد ساسانی، مدائن. هنر و مردم ۱۴ (۱۶۵ و ۱۶۶): ۴۱-۲۴.
- _____ . ۱۳۵۴. ویرانه‌های شهر باستانی استخر. هنر و مردم ۱۴ (۱۵۸): ۱۲-۲.
- سایت گوگل ارث: www.google.com/earth
- سرفراز، علی اکبر و محمود تیموری. ۱۳۸۶. سازمان فضایی شهر ساسانی بیشاپور. باغ نظر (۸): ۱۰۲-۹۱.
- شییمان، کلاوس. ۱۹۸۰. مبانی تاریخ پارتیان. ترجمه هوشنگ صادقی. ۱۳۸۴. تهران: نشر و پژوهش فرزانه روز.
- _____ . ۱۹۹۰. مبانی تاریخ ساسانیان. ترجمه کیکاوس جهاننداری. ۱۳۸۴. تهران: نشر و پژوهش فرزانه روز.
- فرای، رنلسون. ۱۳۸۹. بخش چهارم- تاریخ سیاسی ایران در دوره ساسانیان. یارشاطر، احسان. تاریخ ایران، از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان، جلد سوم قسمت اول. پژوهش دانشگاه کمبریج. ترجمه حسن انوشه. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- کیانی، محمد یوسف و ولفرام کلایس. ۱۳۷۳. کاروانسراهای ایران. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- گیرشمن، رومن. ۱۹۵۹/۱۳۳۸. بیشاپور، جلد دوم: موزائیک‌های ساسانی. ترجمه اصغر کریمی. ۱۳۷۸. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه).
- _____ . ۱۹۶۹/۱۳۴۸. بیشاپور، جلد اول. ترجمه اصغر کریمی. ۱۳۷۸. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه).
- لسترنج، گای. ۱۹۰۵/۱۲۸۴. جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی. ترجمه محمود عرفان. ۱۳۸۶. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- منصوری فرد، محسن. ۱۳۸۶. معبد آب بیشاپور. مجموعه مقالات سومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، ارگ بم (ج ۵). ۶۷۶-۵۶۱.
- مهریار، محمد. ۱۳۷۸. پیشینه پژوهش‌ها و کاوش‌های باستان‌شناسی در بیشاپور. مجموعه مقالات دومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، ارگ بم (ج ۲). ۶۹-۱۱.
- _____ . ۱۳۷۹. سیمای شهر بیشاپور در دوران اسلامی. مجموعه مقالات دومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، ارگ بم (ج ۳). ۱۳۸-۱۱.
- هوف، دیترش. ۱۹۷۷/۱۳۵۶. بخش سوم- کاخ‌های اردشیر در فیروزآباد: قلعه دختر و آتشکده. هوگی. قلعه دختر- آتشکده، گزارش مقدماتی استحکام‌بخشی و مرمت. ترجمه فرزین فردانش. ۱۳۷۹. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه).

- Google earth. 2014.
- Huff, Dietrich. 2005. Iran in Sasanian and Medieval-Islamic Periods. Persia's Ancient Splendour. Mining, Handicraft and Archaeology, Exhibition Catalogue. 416-439.
- Talbot Rice, David. 1935. The city of Shāpūr. Ars Islamica II, 2, p. 174-188.